

نوع مقاله: پژوهشی

صفحات ۲۰۶ - ۱۸۹

تحلیل مبانی فقهی ساحت‌های شش‌گانه تربیتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش

^۱ حسن محمدپور

^۲ محسن ملک افضلی

^۳ علی همت بناری

چکیده

ساحت‌های شش‌گانه تربیتی در سند تحول بنیادین آموزش و پرورش، با توجه به نیازهای مختلف انسان و بر مبنای رفع این نیازها و شکوفایی استعدادها و توانمندی‌ها و حرکت در مسیر حیات طیبه تدوین شده است. اندیشمندان نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی ایران برای طراحی این ساحت‌ها که زمینه‌ساز تحولی عظیم در جامعه است، بر اصول و مبانی مختلفی تکیه کرده‌اند. این نوشتار در پی آن است تا با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین انعکاس بن‌مایه‌های فقهی در ساحت‌های شش‌گانه تربیتی، به بررسی مبانی فقهی بر اساس آیات و روایات و آرا و نظرات فقها در ساحت‌ها بپردازد. نتیجه تحقیق نشان می‌دهد که ساحت‌های مختلف تربیتی همخوانی و همسویی گسترده‌ای با آموزه‌های اسلامی دارد و صاحب‌نظران عرصه تعلیم و تربیت کشور، ساحت‌ها را بر این اساس نوشته‌اند. زیرا اهمیت اتکاء به این مبانی برای بروز توانمندی‌ها و رسیدن به حیات طیبه و کمال مطلوب، انکارناپذیر است.

واژگان کلیدی

مبانی فقهی، ساحت‌های شش‌گانه تربیتی، سند تحول بنیادین آموزش و پرورش.

۱. دانشجوی دکتری فقه و مبانی حقوق اسلامی، گروه الهیات، واحد محلات، دانشگاه آزاد اسلامی، محلات، ایران.

Email: kelar48@gmail.com

۲. استاد گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران. (نویسنده مسئول)

Email: mohsenmalekafzali@yahoo.com

۳. دانشیار گروه فقه و مبانی حقوق اسلامی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

Email: ah.banari@gmail.com

پذیرش نهایی: ۱۴۰۰/۶/۲۴

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۴/۱

طرح مسأله

تربیت عبارت است از جریانی که به طور داریم در جهت رشد همه‌جانبه فرد (اعم از بعد جسمانی، شناختی، روانی، عاطفی، اجتماعی و دینی) می‌باشد و زمینه را برای شکوفا ساختن استعداد‌های انسانی و تغییر و اصلاح آن فراهم می‌سازد (روزبهانی، ۱۳۸۰). به عبارت دیگر، عمل عمدی شخصی است که می‌خواهد رشد را در فردی که فاقد رشد است ولی استحقاق آن را دارد، فراهم کند. در واقع، تربیت، سرپرستی افراد برای رشد است؛ یعنی اتخاذ تدابیر لازم برای فراهم ساختن شرایط مساعد، به منظور تکامل و رشد (شکوهی، ۱۳۷۷: ۶). تربیت در واقع انتخاب رفتار و گفتار مناسب و ایجاد شرایط و عوامل لازم و کمک به متری است تا بتواند استعداد‌های نهفته خود را در تمام ابعاد فردی و اجتماعی، پرورش داده و به تدریج به سوی هدف نهایی و کمال مطلوب حرکت کند.

تعلیم و تربیت سبب به فعلیت رسیدن قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی است که در ابعاد مختلف روح و بدن انسان قرار دارند و انسان برای رسیدن به کمال مطلوب خود نیازمند آن است که با یاری دیگران آن‌ها را تصحیح، تعدیل، تقویت و هدایت کند. بنابراین تعلیم و تربیت دارای حوزه‌های مختلفی است که در آن نیازهای مشترک انسان‌ها وجود دارد. این حوزه‌ها، ساحت‌های تربیتی و گستره تعلیم و تربیت هستند. سند تحول بنیادین بر اساس مبانی وجودی انسان، ساحت‌های مختلفی را برای تربیت وی در نظر گرفته است که در برگیرنده همه نیازهای مبتنی بر استعداد و توانمندی بشر است. در این راستا، اندیشمندان تعلیم و تربیت به زعم خود نیازهایی را از انسان احصاء نموده و بر اساس آن و ناظر به شکوفایی استعدادها و رفع نیازهای مادی و معنوی به تبیین ساحت‌های تربیتی پرداختند. این ساحت‌ها عبارتند از: «اعتقادی، عبادی و اخلاقی؛ اجتماعی و سیاسی؛ زیستی و بدنی؛ زیبایی‌شناختی و هنری؛ اقتصادی و حرفه‌ای؛ و علمی و فناوری» (مبانی نظری...، ۱۳۹۰: ۲۹۸).

با توجه به ضرورت تعلیم و تربیت، نوشتار پیش‌رو، با روش توصیفی - تحلیلی و با هدف تبیین بن‌مایه‌های فقهی این ساحت‌های شش‌گانه، به استخراج مبانی فقهی آنها پرداخته است. در واقع، مسأله اصلی بر محور گستره تربیتی و مبانی فقهی ساحت‌های مذکور در «مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران» متکی است. بنابراین پژوهش حاضر می‌کوشد تا به این پرسش پاسخ دهد که مبانی فقهی چگونه در ساحت‌های تربیتی شش‌گانه سند تحول منعکس شده است. برای روشن شدن این موضوع آیات و روایات و دیدگاه‌های برخی فقها در این حوزه بررسی می‌شود. فرضیه ما این است که ارتباط گسترده‌ای بین مبانی فقهی و ساحت‌ها وجود دارد و اندیشمندان تعلیم و تربیت اسلامی، ساحت-

های تربیتی را بر اساس آموزه‌های اسلامی شکل داده‌اند.

شایان ذکر است که پژوهش‌های متعددی پیرامون ساحت‌های شش‌گانه تربیتی صورت گرفته است. مهمترین آنها عبارتند از: مقاله «احصاء مصادیق ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول بنیادین آموزش و پرورش در قرآن کریم» توسط یزدانی و همکاران، ۱۳۹۸. نویسندگان به تحلیل مؤلفه‌های ساحت‌ها پرداخته و قرآن کریم را بر اساس آن مؤلفه‌ها در ساحت‌های مختلف تحلیل و مصادیق آن را احصا کرده و معتقدند که گزاره‌های تربیتی سند با آموزه‌های قرآن همسویی دارد. در «تحلیل محتوای منطق الطیر بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی»، ناصری و همکاران، برای شش ساحت، مؤلفه‌هایی را به صورت جداگانه در نظر گرفته و منطق الطیر عطار را بر اساس آنها تحلیل نموده‌اند. محمدی‌پویا و همکاران، ۱۳۹۴، در «تحلیل محتوای نهج‌البلاغه بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی سند تحول»، به منظور تکمله‌بخشی به زاویه تعلیم و تربیت اسلامی در سند تحول، مؤلفه‌های آن را در هر یک از ساحت‌های شش‌گانه تبیین کرده و مصادیق آن را در نهج‌البلاغه استخراج کرده‌اند. «رویکرد تعلیم و تربیت اسلامی در ساحت‌های شش‌گانه» به وسیله نوروزی‌نژاد و طباطبایی، ۱۳۹۹، به تحریر درآمده است. این مقاله سند تحول را از دو جهت تربیت دینی، قرآنی و مؤلفه‌های آن و نگاه سند به مقوله دینی از نظر مبانی و ساحت مورد بررسی قرار داده است. نتیجه مقاله نشان می‌دهد که سند از نظر تربیت دینی دارای نقاط قوت و وضعی است که نقطه کمال آن فراهم نمودن بستر حیات طیبه برای متولیان است. نقاط ضعف هم باید با ارائه راهکارها برطرف شود. در «تحلیل محتوای مثنوی معنوی بر اساس ساحت‌های شش‌گانه تربیتی»، ترکاشوند و همکاران، ۱۳۹۸، محتوای مثنوی معنوی مولانا را بر اساس ساحت‌ها در سند تحلیل کرده‌اند. با توجه به این پیشینه، پژوهشی که به تبیین مبانی فقهی ساحت‌های تربیتی پرداخته باشد، در جستجوها یافت نشد. به همین خاطر مقاله حاضر از دیدگاه فقهی به این ساحت‌ها می‌نگرد تا با انطباق این ساحت‌ها با مبانی فقهی شیعی، همخوانی و همسویی آنها را با آموزه‌های اسلامی نشان دهد.

مفهوم‌شناسی «تربیت» و «فقه در تربیت»

از نظرات لغت‌شناسان چنین برمی‌آید که «تربیت» مصدر باب «تفعیل» است. اگر از «ربا، ربو» مشتق شده باشد، معنای رشد کردن، برآمدن، قدکشیدن و بالیدن را می‌رساند. چنانکه در کتب لغوی به این معنا آمده است: «رَبَا الشَّيْءُ يَرْبُو رَبْوًا وِ رَبَاءً: زاد و نما» (ابن منظور، ۱۴۱۴: ۳۰۵). راغب معتقد است که تربیت، «دگرگون کردن گام به گام و پیوسته هر چیز است تا آن‌گاه که به سرانجامی که شایسته آن است، برسد» (راغب، ۱۴۱۲: ۱۸۴). اگر از ریشه «رب» گرفته شده باشد، در این معانی به کار می‌رود: حضانت، اصلاح، تدبیر، خوب رسیدگی کردن، سرپرستی، تکمیل و چیزی را بتدریج ایجاد کردن، تکامل بخشیدن، سوق دادن شیء به سوی کمال (بناری،

واژه تربیت به معنی فراهم آوردن موجبات فزونی و پرورش دادن است و با توجه به پرورش دادن به معنی تغذیه طفل هم به کار می‌رود (باقری، ۱۳۸۲: ۳۲-۳۳). چنانکه در لغت‌نامه دهخدا هم به همین معناست: پروردن، پروراندن، آداب و اخلاق را به کسی آموختن، آموختن و پرورش کودک تا هنگامی که بالغ گردد (دهخدا، ۱۳۷۷: ۵۵۰). همچنین به معنای سرپرستی کردن، رساندن چیزی به فرجام، به تعالی رساندن، به اعتدال بردن، استوار و متین نمودن است. اگر درباره انسان به کار رود، جامع‌ترین معنای آن فرهیخته شدن اوست (رفیعی، ۱۳۹۲: ۸۹). عنصر مشترک همه تعاریف، وجود نقطه‌ای است که فرایند تربیت از آن آغاز می‌شود و پس از طی زمان و مسافتی مشخص، به مقصدی مشخص نائل می‌گردد. با این تعبیر، مبدا حرکت در تربیت، وضعیت آغازین متربی است که استعدادها و توانایی‌های بالقوه دارد و مربی باید با شناخت دقیق و کامل این ویژگی‌ها، تحرک خود را از نقطه آغاز، شروع کند و وضعیت ثانوی که به دست می‌آید، مقصد حرکت تلقی می‌شود. در بعد ایجابی مقصد، شکوفایی استعدادها و دستیابی به کمال و فعلیت یافتن قوه‌های وجودی متربی منظور است و در بعد سلبی، بازدارندگی و اصلاح صفات و رفتارهای ناشایست در نظر گرفته می‌شود (اعرافی، ۱۳۹۵: ۱۳۲-۱۳۱). در تربیت اسلامی هم مربی می‌کوشد که آموزه‌های دین را در متربی نهادینه سازد تا در همه ابعاد اعتقادی، عاطفی و رفتاری پایبند به اسلام باشد.

در ارتباط با مفهوم‌شناسی «فقه» در لغت و اصطلاح، لغت‌شناسان معتقدند «فقه» در لغت به معنای مطلق فهم می‌باشد (فراهیدی، ۱۴۰۹ق: ۳۷؛ فیومی، ۱۴۲۸ق: ۴۷۹). بعضی هم آن را تیزفهمی معنا کردند (الزبیدی، ۱۳۰۶ق: ۴۰۲). جوهری در «صاح اللغه» فقه را به معنای دانستن و فهمیدن می‌داند (جوهری، ۱۴۰۴ق: ۲۲۴). راغب هم آن را پی بردن به معلومات غایب از معلومات حاضر معنا کرده است (راغب، ۱۴۱۲ق: ۶۴۲).

اما فقه در اصطلاح معانی گوناگون دارد؛ از جمله «علم به احکام شرعی عملی از طریق ادله تفصیلی» (حلی، ۱۴۰۳ق: ۵-۶). در واقع موضوع فقه مبتنی بر رفتار مکلفان می‌باشد. لذا آنچه مسلم است این است که ابتدا فقیه باید بر رفتارهای اختیاری و غیراختیاری انسان واقف باشد و سپس تکالیف شرعی مبنی بر رفتار را برایش تبیین کند. از جمله رفتارهای اختیاری می‌توان تعلیم و تربیت را برشمرد. در فقه اسلامی، رفتارهای آموزشی و تربیتی نیز مانند همه رفتارهای اختیاری مکلفان، حکمی شرعی دارد. «فقه تربیتی» با هدف تعیین احکام شرعی رفتارهای اختیاری مکلفان در عرصه تعلیم و تربیت، می‌کوشد تا با استفاده از روش‌شناسی اجتهادی و استنباطی، به این هدف دست یابد (اعرافی، ۱۳۹۱: ۱۶).

ساحت‌های شش‌گانه سند تحول

سند تحول از گسترده‌ترین طرح‌های نرم‌افزاری است که با تاکید بر جنبه‌های کیفی، رابطه عناصر نظام در درون و با محیط پیرامون و مباحث ساختاری تدوین شده است. قلمرو سند عرصه‌های توسعه اعم از اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی را در آموزش و پرورش در برمی‌گیرد و برای آنها تعیین تکلیف می‌کند. این سند پایه، ملاک و راهنمای تصمیم‌گیری‌های اساسی برای هدایت، راهبری، نظارت و ارزشیابی نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی به منظور تحقق تحولات محتوایی و ساختاری است. در این سند مفهوم تربیت در جامع‌ترین صورت خود به عنوان فرایندی جامع - شامل تمام تلاش‌های زمینه‌ساز تحول اختیاری و آگاهانه آدمی - که به صورت امری واحد و یکپارچه و درهم تنیده، با تحول تمام ابعاد وجودی انسان را در برمی‌گیرد، دیده شده است (وفایی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۳۳).

این سند بر اساس مبانی وجودی انسان، ساحت‌های مختلفی را برای برای تربیت وی در نظر گرفته است که عبارتند از: ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی، ساحت تربیت اجتماعی سیاسی، ساحت تربیت زیستی و بدنی، ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، ساحت تربیت علمی و فناوری. ساحت در تعلیم و تربیت، به حوزه‌های خاص و محدوده‌ای گفته می‌شود که مجموعه‌ای از رفتارها و فعالیت‌های تعلیم و تربیت در آن حوزه و دامنه قرار می‌گیرد؛ مشروط بر آن که حوزه‌های مزبور در عرض یکدیگر و بدون لحاظ جنسیت و ویژگی‌های خاص مد نظر باشد. لذا هنگامی که نیازهای مشترک و هم‌عرض انسان‌ها، معیار تقسیم حوزه‌های تعلیم و تربیت قرار می‌گیرند، آنها را ساحت‌های تعلیم و تربیت می‌نامیم.

تحلیل مبانی فقهی ساحت‌های شش‌گانه در سند تحول

۱. ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی

با علم به اینکه انسان موجودی هدایت‌پذیر و سعادت‌طلب است، شناخت مبانی معرفت‌شناسی و انسان‌شناسی و هستی‌شناسی بشر، مبین دورنمای حقیقت اوست. در این راستا تعلیم و تربیت به عنوان مشعل محور تعالی بشر، نقش تعیین‌کننده ایفا می‌کند. بدین معنا اگر آنچه در روش و متون و محتوای تعلیم و تربیت که به تربیت‌پذیر داده می‌شود، با مبانی منطبق باشد، هدف غایی تعلیم و تربیت حاصل خواهد شد.

در این مسیر، از جمله اموری که باید مورد توجه قرار گیرد، شناخت نیازهای روحی انسان است. زیرا معرفت نسبت به بعد اعتقادی، عبادی و اخلاقی از مهمترین موضوعات به شمار می‌آید. در سند تحول، ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی، ناظر به رشد و تقویت مرتبه قابل قبولی از جنبه دینی و اخلاقی حیات طیبه در وجود متریبان است. قلمرو این ساحت تربیت، ناظر به خودشناسی و معرفت نسبت به خدا، معاد، نبوت و

پذیرش ولایت رهبران دینی و پیروی از ایشان و نیز ناظر به سایر عقائد و ارزش‌های دینی است (مبانی، ۱۳۹۰: ۲۹۹).

نظام تعلیم و تربیت کشور موظف است زمینه را برای تحقق این ساحت فراهم کند. باید نسبت به روحیهٔ خدامحوری و اطاعت از خدا و خودشناسی و توجه به ارزش‌های الهی و اخلاق، حفظ کرامت و عزت نفس عقلانیت محوری و کسب بصیرت دینی و تعالی ارزش‌های دینی همت گمارد.

تربیت عبادی هم به معنای ایجاد تدریجی و گام‌به‌گام روح بندگی و حالت تذلل نسبت به پروردگار عالم در انسان و تا مرحلهٔ رساندن آنها به حد نهایی و کمال مقام عبودیت است (رضایی و نجفی، ۱۳۹۳: ۸۹). خداوند هدف از خلقت انسان را، بندگی خویش می‌داند: وَمَا خَلَقْتُ الْجِنَّ وَالْإِنْسَ إِلَّا لِيَعْبُدُونِ (ذاریات: ۵۶). در حقیقت نظام تعلیم و تربیت با آموزش عقاید و عبادات به متربیان، بنیان انسان‌های متعالی را پی‌ریزی می‌کند. بنابراین، شاکلهٔ اسلام بر اساس مکتب تربیتی طراحی، و در متون دینی مکرراً از پیوستگی وازگانی همانند انسان، تعلیم و تربیت و تزکیه و ... یاد شده است. قدر مسلم آن است که در اسلام تربیت گستره وسیعی دارد که تعلیم، بخشی از آن می‌باشد؛ زیرا تأکید بر هدایت و تزکیه و تعقل و رستگاری و خیر و شر از اهداف عالی تربیت اسلامی است. عقاید و باورهای دینی، حتی گسترده‌تر از همهٔ این امور به تمام شئون زندگی از آداب معاشرت گرفته تا بهره‌مندی مناسب از نعمات مادی و معنوی مورد توجه تربیت دینی مکتب اسلام است.

مبانی تعلیم و تربیت اسلامی بر توکل و رضا و امیدواری به رحمت خدا و استعانت از وی، اعتقاد به رستاخیز، یادآوری مرگ و توبه و پرهیز از دل‌بستگی‌های دنیوی و .. مبتنی است. امیرالمؤمنین علیه‌السلام در نامه‌ای به عثمان بن حنیف می‌نویسد: نفس خویش را با تقوا و ریاضت تمرین می‌دهم تا در روز هولناک قیامت در امان باشد و بر آن لغزش گاه، ثابت و استوار بماند (دستی، ۱۳۷۹: ۲۸۴/۱). امام خمینی هم اینچنین بر التزام به مبانی اعتقادی اسلام اشاره می‌کند: چون سلطنت نفس اماره و شیطان در باطن، قوی شد و تمام قوا سر به رقیبت و طاعت آن‌ها گذاشتند و تسلیم تام شدند، آن‌ها قانع به معاصی نمی‌شوند و کم‌کم از معصیت‌های کوچک انسان را به معاصی بزرگ و از آن‌ها به سستی عقاید و از آن به ظلمت افکار و از آن به تنگنای وجود و از آن به بغض و دشمنی انبیا و اولیا می‌کشاند (امام خمینی، ۱۳۹۴: ۲۲۰). بنابراین، ایستادگی در برابر نفس، تقوای پیشگی و انجام تکالیف الهی و عبادت و پرهیز از ستم، صبر در راه حق و تسلیم در برابر قضاء و قدر الهی و خشوع و اعتقاد به نبوت و ولایت ائمه معصومین، جزء لاینفک تربیت دینی است. این امور به عنوان بخشی از گسترهٔ تعلیم و تربیت اسلامی و ساحت تربیت اعتقادی، عبادی و اخلاقی است.

در ساحت اعتقادی، خودشناسی و دیگرشناسی برای پاسخ‌گویی مسئولانه به نیازها، محدودیت‌ها و پیشرفت ظرفیت‌های وجودی خویش و دیگران است. در این ساحت، **اعتقاد فرد مسلمان بر این است که کمال آدمی، در گروی سلوک و رفتار وی و عمل به تعهداتش نسبت به خود، جامعه و خداست. دین به نگرش فلسفی فرد به تعلیم و تربیت و به دنبال آن هدف‌های تربیتی جهت می‌دهد (اعرافی و همکاران، ۱۳۸۶).** بر این اساس ایمان در پرتو اخلاق و سجایای روحی شکوفا می‌شود. هر اندازه اخلاق گسترده‌تر و کامل‌تر باشد، ایمان نیز چنین خواهد بود. قرآن کریم در بیان فلسفه نماز می‌فرماید: «ان الصلوة تنهی عن الفحشاء والمنکر» (عنکبوت: ۴۵)؛ بنابراین عبادت و نماز سبب دوری از منکر و فحشاست که روح حقیقی ایمان است.

فقه‌های عظام نیز موضوع تربیت واحکام مبتلا به آن را مورد توجه خاص قرار داده و در شمار وظایف والدین برشمرده‌اند. بدین صورت که صیانت فرزند از آنچه موجب فساد اخلاق و عقیده‌اش می‌شود، واجب است (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۴/۲) و باید از فرو افتادن فرزندان به ورطه خسران فساد و معاصی محافظت نمود و وی را از گناهان منع کرد (خوئی، ۱۴۱۷: ۳۱۲/۳) و آنها را به اخلاق و آداب نیکو عادت داد (گلپایگانی، ۱۴۱۲: ۲۸۲/۲).

از دیگر وظایفی که فقها بر آن تاکید دارند، وجوب آموزش طهارت و نماز به کودک از هفت سالگی و عادت دادن به حضور در جماعات توسط والدین است (حلی، ۱۴۰۸: ۳۳۵/۴). همچنین آنها باید احکام شرعی و وظایف دینی اعم از واجبات و محرمات را به فرزندان بیاموزند یا انجام این وظیفه واجب را به معلم بسپارند (خوئی، ۱۴۱۶: ۲۶۴/۳). حتی باید فرزند را به نماز خواندن تمرین داد (شهید ثانی، ۱۴۱۰: ۵۷۰/۱). و ده‌ها نظر فقهی دیگر که همه نشانگر تعمیق موضوعات فقهی در مسئله تربیت است و ساحت تربیت اعتقادی و اخلاقی از چنین آموزه‌هایی نشأت می‌گیرد.

محور دیگر این ساحت، اخلاقی است. اخلاق شامل صفات پایدار در انسان است. هدف علم اخلاق، دستیابی به کمال است و این علم عهده‌دار پرورش صفات ارزنده و حالات پسندیده و همچنین عهده‌دار از میان بردن صفات ناپسند و رذائل اخلاقی در وجود انسان است که به بالابردن درجه شادی انسان کمک می‌کند (شریفی، ۱۳۸۴). پیامبر گرامی اسلام می‌فرماید که برای تکمیل کردن اخلاق و رفتارهای شایسته مبعوث شده است: «انما بعثت لأتمم مکارم الأخلاق» (طبرسی، ۱۳۷۰: ۳).

آیات متعددی پیرامون مصادیق ساحت اعتقادی، عبادی و اخلاقی وجود دارد که برخی از آنها عبارت است از: «وَمَنْ يَتَّقِ اللَّهَ يَجْعَلْ لَهُ مَخْرَجًا وَيَرْزُقْهُ مِنْ حَيْثُ لَا يَحْتَسِبُ وَمَنْ يَتَوَكَّلْ عَلَى اللَّهِ فَهُوَ حَسْبُهُ» (طلاق: ۲-۳)؛ یا می‌فرماید «مَنْ جَاءَ بِالْحَسَنَةِ فَلَهُ عَشْرُ أَمْثَالِهَا وَمَنْ جَاءَ بِالسَّيِّئَةِ

فَلَا يُجْزَى إِلَّا مِثْلَهَا ..» (انعام: ۱۶۰). «مَنْ عَمِلَ صَالِحًا مِنْ ذَكَرٍ أَوْ أَنْتَى وَهُوَ مُؤْمِنٌ فَلَنُحْيِيَنَّهٗ حَيَاةً طَيِّبَةً وَلَنَجْزِيَنَّهُمْ أَجْرَهُمْ بِأَحْسَنِ مَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» (نحل: ۹۷). همچنین به آیات دیگری همچون بقره: ۱۷۷ و ۲۶۱-۲۶۲، آل عمران: ۹۲، نساء: ۵۸، مائده: ۸، عنکبوت: ۶۹، انفال: ۲۹، رعد: ۲۸ می‌توان اشاره کرد.

بنابراین ساحت مذکور در سند تحول، بر اساس مبانی فقه اسلامی شکل گرفته است. زیرا هم اصول آن بر اساس دین و آموزه‌های دینی است و هم اعتقادات و مناسک دینی در آن مورد توجه قرار گرفته و متربی برای رسیدن به ایمان و باور و عمل به آنها تربیت می‌شود.

۲. ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی

ساحت تربیت اجتماعی و سیاسی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متربیان را قادر می‌سازد تا شهروندانی فعال و آگاه باشند و در فعالیت‌های سیاسی و اجتماعی مشارکت کنند. قلمرو این ساحت موارد عمده‌ای را شامل می‌شود؛ از جمله ارتباط مناسب با دیگران، تعامل شایسته با نهاد دولت و سایر نهادها، کسب دانش و اخلاق اجتماعی و مهارت‌های ارتباطی، فهم اجتماعی، فهم سیاسی، عدالت اجتماعی، تعامل میان فرهنگی، تفاهم بین‌المللی، حفظ وحدت و .. (مبانی، ۱۳۹۰: ۳۰۲-۳۰۳).

بر این اساس، یکی از موضوعات مهم در تعلیم و تربیت، رابطه و تلازم تعلیم و تربیت با حوزه سیاست است. فقه اسلامی به صورت عام و فقه سیاسی به صورت خاص در این حوزه نقش ایفا می‌کند. در نظام جمهوری اسلامی مصادیق متعددی از حقوق سیاسی به ویژه در قانون اساسی گنجانده و به صراحت در اصل ۵۶ قانون اساسی حق حاکمیت سیاسی مردم را به رسمیت شناخته است. طبق این اصل «حاکمیت مطلق بر جهان و انسان از آن خداست و هم او انسان را بر سرنوشت خویش حاکم ساخته است». این امر مبتنی بر مبانی فقهی است. فقه سیاسی، یعنی «آن بخش از فقه که مربوط به اداره سیاسی کشور، مسائل اجتماعی و مسائل حکومت و مسائل جهاد و امر به معروف و نهی از منکر و امثال اینهاست» (مقام معظم رهبری، ۱۳۶۱/۱۰/۴). اینها از مصادیق فقه سیاسی است که لازم است در نظام تعلیم و تربیت کشور بدان پرداخته شود تا آحاد جامعه به واسطه شبکه‌های آموزشی کشور محتوای آن را فرا گیرند و در تصمیم‌گیری‌ها بدان عمل کنند. در واقع، بر اساس سند تحول تربیت شهروندان آگاه و فعال یکی از اهداف نظام تربیتی است. فقه شیعه در نظام تعلیم و تربیت دینی به دنبال دستیابی به همین هدف است.

موضوع فهم سیاسی مبتنی بر مبانی اسلام مورد تاکید عموم مراجع و فقها بوده است. آخوند خراسانی در نامه خود به علمای بلاد پیرامون مسئله مشروطیت می‌نویسد: «مردم را بالاصاله و بالاستحقاق، مالک و زمامدار امور مملکت می‌داند و انتخاب نمایندگان از سوی ایشان را نوعی تفویض اختیار به آنان و حاکمیت مطلقه دادن در مدت مقرر بر همه امور مملکت تلقی

می‌کند» (آخوندخراسانی، ۱۳۲۹: ۱۷). همچنین محقق نائینی تصریح می‌کند که آنچه در قالب مشروطه خواهی مطرح می‌شود، از کتاب خدا و سنت پیامبر و فرامین حضرت امیر اخذ شده است و از ضروریات اسلام محسوب می‌شود (نائینی، ۱۳۷۸: ۸۶).

تربیت سیاسی، فضایل، دانش‌ها و مهارت‌های مورد نیاز را برای مشارکت آگاهانه سیاسی و آمادگی برای مشارکت در بازسازی جامعه می‌پروراند. به واسطه این نوع تربیت، انسان درک مناسبی از موقعیت خود و جامعه پیدا می‌کند تا تعامل شایسته با نهادها از جمله دولت و سایر نهادهای مدنی و سیاسی شکل گیرد. برون‌داد تربیت سیاسی و اجتماعی، آمادگی جهت تشکیل خانواده و حفظ و تداوم آن بر اساس ارزش‌های نظام و برقراری رابطه سازنده و مناسب است. «جهت‌گیری این ساحت، مبتنی بر عضویت فضیلت‌مدارانه در "خانواده صالح و جامعه صالح" است. ارتباط با خانواده یکی از اساسی‌ترین مؤلفه‌های شکل‌گیری بنیادهای هویت انسان‌هاست. بر این اساس، زندگی خانوادگی، آمادگی برای حیات اجتماعی فعال است» (مبانی، ۱۳۹۰: ۳۰۳). قرآن مجید می‌فرماید: وَمِنْ آيَاتِهِ أَنْ خَلَقَ لَكُمْ مِنْ أَنْفُسِكُمْ أَزْوَاجًا لِتَسْكُنُوا إِلَيْهَا وَجَعَلَ بَيْنَكُمْ مَوَدَّةً وَرَحْمَةً.. (روم: ۲۱): یکی از آیات او، آنست که برای شما از جنس خودتان جفتی بیافرید که در کنار او آرامش یافته و با هم انس بگیرید و میان شما رأفت برقرار فرمود. در واقع قرآن در این آیه، با شکل‌گیری زندگی مشترک اصول یک نظام اجتماعی متعالی را تبیین نموده است.

همچنین قرآن کریم عامل تشکیل‌دهنده جامعه را تفاوت استعدادها، امکانات و ... دانسته و هدف این تفاوت‌ها را ایجاد زندگی جمعی با اهداف مشترک بیان می‌نماید: «يَا أَيُّهَا النَّاسُ إِنَّا خَلَقْنَاكُمْ مِنْ ذَكَرٍ وَأُنْثَىٰ وَجَعَلْنَاكُمْ شُعُوبًا وَقَبَائِلَ لِتَعَارَفُوا إِنَّ أَكْرَمَكُمْ عِنْدَ اللَّهِ أَتْقَاهُمْ إِنَّ اللَّهَ عَلِيمٌ خَبِيرٌ» (حجرات: ۱۳). در آیات دیگر وظایف انبیا و رهبران جامعه را رفع اختلافات و منازعات میان افراد و گروه‌های جامعه معرفی نموده است: «كَانَ النَّاسُ أُمَّةً وَاحِدَةً فَبَعَثَ اللَّهُ النَّبِيِّينَ مُبَشِّرِينَ وَمُنذِرِينَ وَأَنْزَلَ مَعَهُمُ الْكِتَابَ بِالْحَقِّ لِيُخَكِّمَ بَيْنَ النَّاسِ فِيمَا اخْتَلَفُوا فِيهِ وَ ...» (بقره: ۲۱۳). همچنین هدف ارسال رسل و اجرای دین و تشکیل حکومت دینی را برقراری عدالت و قسط معرفی نموده است: «لَقَدْ أَرْسَلْنَا رُسُلَنَا بِالْبَيِّنَاتِ وَأَنْزَلْنَا مَعَهُمُ الْكِتَابَ وَالْمِيزَانَ لِيَقُومَ النَّاسُ بِالْقِسْطِ» (حدید: ۲۵).

البته نقش مردم در سرنوشت خود، نقش بسیار مهمی است که قرآن برای این امر تأکید ویژه دارد: «لَهُ مَعْقَبَاتٌ مِنْ بَيْنِ يَدَيْهِ وَمِنْ خَلْفِهِ يَحْفَظُونَهُ مِنْ أَمْرِ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ لَا يُغَيِّرُ مَا بِقَوْمٍ حَتَّىٰ يُغَيِّرُوا مَا بِأَنْفُسِهِمْ ..» (رعد: ۱۱). قرآن کریم فقط بر اهمیت نقش مردم تأکید نمی‌کند. در مکتب سیاسی اسلام اطاعت‌پذیری از رهبر و ولی و با اجازه و همراه او بودن، یک اصل مهم است و قرآن می‌فرماید: «إِنَّمَا الْمُؤْمِنُونَ الَّذِينَ آمَنُوا بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ وَإِذَا كَانُوا مَعَهُ عَلَىٰ أَمْرٍ جَامِعٍ لَمْ يَذْهَبُوا حَتَّىٰ يَسْتَأْذِنُوهُ إِنَّ الَّذِينَ يَسْتَأْذِنُونَكَ أُولَٰئِكَ الَّذِينَ يُؤْمِنُونَ بِاللَّهِ وَرَسُولِهِ ...» (نور: ۶۲): جز این

نیست که مؤمنان کسانی‌اند که به خدا و پیامبرش گرویده‌اند و هنگامی که با او بر سر کاری اجتماع کردند تا از وی کسب اجازه نکنند نمی‌روند در حقیقت کسانی که از تو کسب اجازه می‌کنند آنانند که به خدا و پیامبرش ایمان دارند.

بنابراین هدف از تربیت سیاسی بر اساس آموزه‌های قرآن، زمینه‌سازی برای شکوفایی استعدادها، شناختی، گرایشی و مهارتی، و تربیت انسانی مدیر و مدبر و آگاه به امور زمانه همراه با رشد آگاهی، پرورش ارزش‌های دینی و فطری و کسب مهارت‌های لازم برای حضور فعال در عرصه‌های مختلف اجتماعی و سیاسی است.

۳. ساحت تربیت زیستی و بدنی

در سند تحول، ساحت تربیت زیستی و بدنی بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به حفظ و ارتقاء سلامت و رعایت بهداشت جسمی و روانی متریبان در قبال خود و دیگران، تقویت قوای جسمی و روانی، مبارزه با عوامل ضعف و بیماری، حفاظت از محیط زیست و احترام به طبیعت است (مبانی، ۱۳۹۰: ۳۰۵).

در اسلام، جسم انسان دارای ارزش والایی است و به عنوان ابزار تکامل روح به شمار می‌رود. از آنجا که انسان موجودی جسمانی و روحانی است و دین نیز برای هدایت و به کمال رساندن انسان آمده، به هر دو بعد وجودی انسان و سلامتی آنها توجه کافی نموده و توانایی و سلامت را مورد مذاقه قرار داده است. نداشتن سلامت جسمی، سبب ناتوانی در کسب فضائل روحانی خواهد شد. همچنین اضطراب‌های روحی جسم را خسته و کسل و ناکارآمد می‌کند. بنابراین در نظام تعلیم و تربیت اسلامی توجه به ساحت زیستی و بدنی امری ضروری به شمار می‌رود. امام سجاد علیه‌السلام از خداوند می‌خواهد تا نعمت سرزندگی را ارزانی دارد و از سستی و ناتوانی و بهانه‌آوری و زیان و ملال، محفوظ دارد: «وَأْمِنُنَّ عَلَيْنَا بِالنَّشَاطِ وَأَعِدُّنَا مِنَ الْقَسَلِ وَالْكَسَلِ وَالْعَجْزِ وَالْعِلَلِ وَالضَّرَرِ وَالصَّبْرِ وَالْمَلَلِ» (مجلسی، ۱۴۰۳: ۱۲۱/۹۱). همچنین ایشان، در رساله حقوق حق جسم را یکی از حقوق مهم می‌شمرد و می‌فرماید: «إِنَّ لِحَسَبِكَ عَلَيَّكَ حَقًّا» (ذهبی، ۱۴۰۹: ۱۴/۳۲۲).

در قرآن کریم، سلامت جسم و قوی بودن به عنوان یک امتیاز، ارزیابی شده است. به طور مثال وقتی بنی‌اسرائیل انتخاب «طالوت» را از سوی پیامبرشان «اسماعیل» به عنوان رهبر، مورد انتقاد قرار می‌دهند، وی در پاسخ می‌گوید که خداوند او را برگزیده و قدرت علمی و جسمی وی را از شما افزون تر قرار داده است: «إِنَّ اللَّهَ اصْطَفَيْهِ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ» (بقره: ۲۴۷). در این زمینه و نیز تقویت بنیه رزمی و نظامی هم می‌توان به سوره انفال: آیه ۶، قصص: ۱۴ و ۲۶، بقره: ۲۴۷ اشاره کرد.

فقه‌های شیعه نیز به عرصه سلامت بدن توجه داشته و احکامی را برای آن صادر کردند. از جمله «شیر دادن دو سال کامل توسط مادر» که کمتر از آن ظلم تلقی می‌شود (طوسی، ۱۴۰۰ق: ۵۰۳). یا دادن «آغوز» به دلیل اهمیت بالای آن در حفظ سلامتی و رشد نوزاد بر مادر واجب است (بهائی، بی تا: ۳۰۴).

در شریعت اسلام نظافت و پاکیزگی به عنوان یکی از ارکان مهم سلامت، مورد عنایت ویژه و تأکید فراوان است. قرآن مجید می‌فرماید: «إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ التَّوَّابِينَ وَيُحِبُّ الْمُتَطَهِّرِينَ» (بقره: ۲۲۲). رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «تَخَلَّلُوا فَإِنَّهُ مِنَ النَّظَافَةِ وَالنَّظَافَةُ مِنَ الْإِيمَانِ وَالْإِيمَانُ مَعَ صَاحِبِهِ فِي الْجَنَّةِ» (نوری طبرسی، ۱۴۰۸: ۳۱۶/۳): خلال کنید که آن از نظافت است و نظافت از ایمان است و ایمان با صاحب خود در بهشت است. در روایت دیگر امام صادق علیه‌السلام فرمود: «إِيَّاكَ وَالْكَسَلَ وَالصَّجَرَ فَإِنَّهُمَا يَمْنَعَانِكَ مِنْ حَظِّكَ مِنَ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ» (ری-شهری، ۱۳۸۶: ۱۸۵): از تبلی و بی‌حوصلگی بپرهیز؛ زیرا این دو خصلت تو را از بهره دنیا و آخرت باز می‌دارند.

مهم‌ترین جهت‌گیری ساحت تربیت زیستی و بدنی عبارت است از: تعامل مستمر روح و بدن که رابطه آنها رابطه‌ای بنیادین، عمیق دو در اصل هستی است. رویکرد این ساحت، کل‌نگر و تلفیقی است (مبانی، ۱۳۹۰: ۳۰۶). در اسلام، روح و جسم از هم جدا نیستند و تربیت جسمانی و معنوی به موازات هم صورت می‌گیرد. از این رو اسلام برای تأمین سلامتی و پیش‌گیری از بیماری‌های جسمی و روحی، روش‌ها و قوانینی وضع کرده است. ورزش و تفریحات سالم از قوانین و دستورات اسلام برای سلامتی و ایجاد نیرومندی و تقویت نیروی جسمانی است که اسلام به ورزش و سرگرمی‌های سالم و سودمند همانند اسب سواری، تیراندازی و شنا دستور داده است. فقها به استحباب آموزش این ورزش‌ها به فرزندان فتوا داده‌اند (نجفی، ۱۳۶۲: ۴۶۶/۲۲). بنابراین، تربیت بدنی به عنوان یکی از نیازهای ضروری انسان و جوامع بشری است و نقش مؤثری در تحقق اهداف و برنامه‌های اجتماعی هر جامعه‌ای دارد و با توجه به کارکردهای متعدد، در نظام تعلیم و تربیت ضرورت و اهمیت خاصی دارد.

با توجه به آیات و روایات، حفظ سلامت فرد و مراقبت از سلامت دیگران در برابر بیماری‌هایی که خطر جانی و یا ضرر شدیدی برای انسان داشته باشند، واجب شرعی است. دلیل عمده این مسئله قاعده وجوب حفظ نفس، قاعده لاضرر و قاعده احسان است که به مصادیق و موارد گوناگون در عبادات اعم از احکام طهارت و نماز و روزه و حج و معاملات و .. آمده است. علاوه بر آنکه در قرآن کریم به صراحت قتل نفس را برابر با قتل همه انسان‌ها و احیای نفس را برابر با احیای همه بشریت می‌داند. همچنین عقل و فطرت و وجدان نیز حکم به وجوب حفظ نفس می‌کند و حفظ نفس از مستقلات عقلی است. بدیهی است هر اقدامی که جان خود و یا جان دیگری را در معرض آسیب و خطر قرار می‌دهد، حرام و ضمان شرعی دارد.

۴. ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری

یکی از نفخات روحی خداوند در بشر نفخه زیبایی و زیبایی‌طلبی است. در سند تحول، ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به رشد قوه خیال و پرورش عواطف، احساسات و ذوق زیبایی‌شناختی متریبان است. هدف تربیت هنری، نه پرورش هنرمند حرفه‌ای که پرورش ادراک زیبایی‌شناسی در همه متریبان است (مبانی، ۱۳۹۰: ۳۰۷-۳۰۸). از این ساحت در حوزه تعلیم و تربیت، انتظار می‌رود که متعلم را نسبت به زیبایی‌های عالم هستی و اسرار و رموز هنری خلقت آشنایی بخشد و استعداد‌های ظاهری و باطنی وی را به منصفه ظهور گذارد.

از دیدگاه اسلام حیات زیبایی‌شناختی و توجه به هنر باید از جهات گوناگون مورد حمایت قرار گیرد. وظیفه نظام‌های تعلیم و تربیت است که در جهت بسط و گسترش آن بکوشند؛ لذا هرگونه نبوغ علمی و هنری بر اساس معیارهای اسلام برای فعالیت آزاد است. به همین جهت اساس خلقت عالم هستی بر نظم و زیبایی است و در قرآن مجید و کلام اهل بیت علیهم‌السلام به آن اشارات زیادی شده است. نظام تعلیم و تربیت جمهوری اسلامی نیز با بهره‌گیری از این مبانی به شکوفایی حس زیبایی‌دوستی و زیباطلبی و هنر همت‌گمارده است. در انسان، گرایش به جمال و زیبایی، چه به معنی زیبایی‌دوستی و چه به معنی زیبایی‌آفرینی (یا هنر) وجود دارد. در واقع، هنر، تجلی شکفتن استعداد‌های خدادادی خلق و آیات و نشانه‌های الهی است. انبیا الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام به عنوان شارحین شریعت اسلام در صدد بودند که صفات و نعمات خداوند را برای مردم بشمارند و بشر را به آنها معرفت بخشند. امام مجتبی علیه‌السلام بهترین جامه‌های خود را در نماز می‌پوشید و در پاسخ کسانی که سبب این کار را می‌پرسیدند، می‌فرمود: «انَّ اللَّهَ جَمِيلٌ وَيُحِبُّ الْجَمَالَ فَاتَّجَمَلُ لِرَبِّي» (عباشی، ۱۳۸۰: ۱۴/۲).

مهمترین مصادیق زیبایی از نظر قرآن، آفرینش است که به بهترین شکل خلق نموده است. مهم‌ترین آیه‌ای که زیبایی را به عنوان نقش کلیدی در همه اجزای عالم نشان می‌دهد، آیه «وَلِلَّهِ الْأَسْمَاءُ الْحُسْنَىٰ فَادْعُوهُ بِهَا» (اعراف: ۱۸۰) است. در زبان عربی، حسن به معنای زیبایی و نیکویی آمده، که مورد توجه ویژه قرآن در آیات مختلف قرار گرفته است؛ از جمله: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ وَبَدَأَ خَلْقَ الْإِنسَانِ مِن طِينٍ» (سجده: ۷)؛ «إِنَّا زَيَّنَّا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِزِينَةِ الْكَوَكِبِ» (صافات: ۶)؛ «وَوَزَّيْنَا السَّمَاءَ الدُّنْيَا بِمَصَابِيحَ» (فصلت: ۱۲) و «وَوَلَقَدْ جَعَلْنَا فِي السَّمَاءِ بُرُوجًا وَزَيَّنَّاهَا لِلنَّاظِرِينَ» (حجر: ۱۶).

بنابراین تربیت زیبایی‌شناختی و هنری یکی از وظایف مهم نهاد تعلیم و تربیت در هر جامعه است و در جهت رشد و شکوفایی قابلیت‌ها و استعداد‌های هنری و زیبایی‌شناختی متریبان، گام برمی‌دارد. به‌طور کلی می‌توان گفت در ساحت تربیت زیبایی‌شناختی و هنری، وظیفه نظام

تعلیم و تربیت، پرورش حواس و قدرت تخیل برای بازخوانی فطرت الهی فرد و دریافت تجلیات آن در طبیعت و رمزگشایی از پدیده‌های آشکار و پنهان هستی است. تربیت زیباشناختی سبب شکوفایی استعدادهای ذاتی در خلق آثار هنری، مصادیق دل‌انگیز زیبایی در منظر افراد جامعه برای همیشه به یادگار خواهد گذاشت و این، آن حقیقت اثرگذاری نقش تعلیم و تربیت بر جامعه و تاریخ است که برای همیشه به یادگار خواهد ماند (مبانی، ۱۳۹۰: ۳۰۷).

۵. ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای

بر اساس دیدگاه فقهی اسلام، کار و تأمین معاش امری واجب و از ضروریات اسلام است. پیامبر گرامی اسلام عبادت را دارای هفتاد جزء می‌داند که کسب حلال، برترین جزء آن به شمار می‌رود (شیخ صدوق، ۱۴۰۶ق: ۱۸۰). انسانی هم که در راه کسب درآمد و تأمین معاش زندگی، سختی ببیند، ثواب الهی شامل او می‌شود. در همین ارتباط، امام رضا علیه‌السلام می‌فرماید: «آن کس که از فضل و روزی خداوند چیزی را بجوید که با آن خانواده‌اش را از نیازمندی به دیگران حفظ کند، پاداش وی بزرگ‌تر از مجاهد در راه خداست» (کلینی، ۱۴۰۷ق: ۸۸/۵). امام علی علیه‌السلام هم کسی را که در پی به دست آوردن روزی حلال باشد، مانند مجاهد در راه خدا می‌داند (ابن حیون، ۱۳۸۵ق: ۱۵/۲).

فقه شیعه به تربیت حرفه‌ای و شغلی نیز توجه ویژه دارد (کرکی، ۱۴۱۴ق: ۱۹۲/۵). به‌گونه‌ای که بر والدین جایز است کودک را برای یادگیری مهارت‌های لازم و اشتغال آماده کنند (امام خمینی، ۱۳۷۹: ۱۴/۲). به عنوان مثال به استحباب آموزش ریسندگی و بافندگی برای دختران فتوا داده‌اند (نجفی، ۱۳۶۲: ۱۳۰/۲۲).

علاوه بر این، فقها برای تجارت و احکام کسب بخش مستقلی را در آثار خود اختصاص داده‌اند. مثلاً شیخ انصاری در کتاب «المکاسب» به کسب و تجارت‌های حلال و حرام، خرید و فروش و معاملات پرداخته و با استفاده از منابع فقهی و حدیثی آرا و نظرات مختلفی را در این موضوعات مطرح کرده است.

سفارش اسلام درباره کسب و کار، اول آگاهی از شغل و آداب و احکام حرفه و سپس کسب و کار است. اصب بن نباته می‌گوید: بارها از امیرالمؤمنین شنیدم که می‌فرمود: *يامعشرَ التُّجَّارِ الْفُقَهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَّ الْفُقَهَ ثُمَّ الْمُتَجَرَّ الْفُقَهَ ...* (عاملی، ۱۴۰۹: ۳۸۱/۱۷). امام صادق علیه‌السلام هم تأکید می‌نماید که کسی که اراده تجارت کند، باید در دین خود تفقه بنماید تا به واسطه آن حلال و حرام را از هم تمیز دهد (همان: ۶۶/۱۷). به همین دلیل فقهای شیعه قائل به استحباب و در برخی موارد وجوب آموختن احکامی هستند که با اموری که فرد در پرداختن به کسب و کار خود متکفل انجام آنها می‌شود، ارتباط دارد (علامه حلی، ۱۴۱۱: ۹۴). همچون یادگیری موازین فقهی و نیز نوشتن و حساب و کتاب کردن. این امر اهمیت آموزش موازین فقهی مربوط به

کسب و کار را نمایان می‌سازد. حتی فقها بر این نکته تأکید کرده‌اند که فرد نباید در صورت عدم آشنایی و نداشتن مهارت لازم، متصدی پیمان‌ها و وزن کردن اجناس شود (محقق حلی، ۱۴۰۸: ۱۴/۲). بدیهی است بسیاری از خساراتی که افراد در روابط حرفه‌ای خود با صاحبان حرف گوناگون متحمل می‌شوند، از ناآشنایی صاحبان آن حرفه‌ها با دانش‌های مرتبط حاصل می‌شود. لذا نقش نظام‌های تعلیم و تربیت در این حوزه، کلیدی است.

در سند تحول به این موضوع با حساسیت ویژه پرداخته شده و آمده است: «ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای، بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به یکی از ابعاد مهم زندگی آدمی، یعنی بُعد اقتصادی و معیشتی انسان‌هاست. همچنین، ناظر به رشد توانایی‌های متریبان در تدبیر امر معاش و تلاش اقتصادی و حرفه‌ای است. در این ساحت به جای رویکردهای دانش‌محور یا مهارت‌مدار خشک و محصور در یک دوره زمانی مشخص، به رویکردی کل‌گرا و تلفیقی از تربیت در ساحت تربیت اقتصادی و حرفه‌ای نیاز است.. (مبانی، ۱۳۹۰: ۳۰۹-۳۱۰).

رشد همه‌جانبه در انسان، ایجاب می‌کند تا به بعد اقتصادی خود توجه نموده و آن را بی- پاسخ نگذارد؛ زیرا اگر انسان در این بعد وجودی خود، از تربیت و رشد کافی برخوردار نگردد، اثرات منفی آن سایر ابعاد وجودی وی را درگیر خواهد نمود. در این زمینه رسول گرامی اسلام می‌فرماید: «من لامعاش له لامعاد له». بنابراین، متعلم باید در دوران آموزش‌پذیری، حفظ و توسعه ثروت و توجه به اقتصاد و معیشت و شناخت قوانین کسب و کار، توجه به کارآفرینی و سایر مصادیق تربیت اقتصادی اسلامی را فراگیرد. همچنین تلاش برای تحقق رفاه فردی و اجتماعی و رشد و استقلال اقتصادی، حفظ و پیشرفت ثروت ملی، افزایش بهره‌وری، و بسط عدالت اقتصادی و .. از محورهای آموزش تربیت اقتصادی به شمار می‌آید که با مبانی فقهی اسلامی تطبیق دارد.

۶. ساحت تربیت علمی و فناوری

تاریخ بشر همواره با آموختن و تعلیم و تربیت عجین بوده است. انسان‌ها از روزگار کهن، شروع به آموختن و کشف راز و رمز و ویژگی‌های موجودات عالم هستی و انتقال مفاهیم و اطلاعات کرده و بر اهمیت نقش علم در زندگی پی برده بودند. بر اساس سند تحول، ساحت تربیت علمی و فناوری بخشی از جریان تربیت رسمی و عمومی است که ناظر به کسب شایستگی‌هایی است که متریبان را در شناخت و بهره‌گیری و توسعه نتایج تجارب متراکم بشری در عرصه علم و فناوری یاری کند تا بر اساس آن متریبان قادر شوند با عنایت به تغییرات و تحولات آینده، نسبت به جهان هستی و استفاده و تصرف مسئولانه در طبیعت، بینشی ارزش‌مدار کسب کنند (مبانی، ۱۳۹۰: ۳۱۱). این ساحت ناظر به رشد توانمندی افراد جامعه در راستای فهم

و درک دانش‌های پایه و عمومی، کسب مهارت دانش‌افزایی، به‌کارگیری شیوه تفکر علمی و منطقی، توان تفکر انتقادی، آمادگی جهت بروز خلاقیت و نوآوری و نیز ناظر به کسب دانش، بینش و تفکر فن‌آورانه برای بهبود کیفیت زندگی است (همانجا). با توجه به این نکته که فلسفه و ارزش‌های حاکم بر جامعه ما از اسلام نشأت می‌گیرد، استفاده از متون غنی دینی و اسلامی در این زمینه الزام خواهد بود.

در همین راستا، مکتب تربیتی اسلام به مقوله علم و علم‌آموزی بسیار توجه داشته و در آیات و روایات متعدد به ثمرات و ویژگی‌های والای آن اشاره نموده است. اسلام، علم را هدف آفرینش جهان، و از اهداف بعثت انبیاء، و وجه ممیز بشر با دیگر مخلوقات ذکر کرده است. در نگاه اسلام، علم یکی از لوازم مدیریت و رهبری و سرچشمه ایمان و تقوا و قدرت نام برده شده است. به همین جهت در اسلام هیچ محدودیت جنسیتی، زمانی و مکانی جهت تحصیل علم در نظر گرفته نشده و هیچ بهانه‌ای مورد قبول نیست. ترغیب فقهای شیعه به علم‌آموزی به‌گونه‌ای است که «تعلیم و تعلم هنگام اعتکاف یکی از مستحبات اعتکاف» دانسته شده است (علامه حلی، ۱۴۱۲ق: ۵۳۱/۹). همچنین اذن فرزندان برای سفر تحصیلی فرزندان از دیگر امور مربوط به یادگیری است که در مباح کتاب الجهاد مطرح شده است (شهیدثانی، ۱۴۲۱ق: ۱۴/۳). همین بس که در عظمت علم و عالم، نبی مکرم اسلام قلم علماء را حتی از خون شهیدی که جان خود را از دست داده مهمتر می‌داند: «مِدَادُ الْعُلَمَاءِ أَفْضَلُ مِنْ دِمَاءِ الشَّهْدَاءِ» (مجلسی، ۱۴۰۳ق: ۱۵۸/۱). امام علی علیه‌السلام هم می‌فرماید: «رَأْسُ الْفَضَائِلِ الْعِلْمُ» (آمدی، ۱۳۸۰: ۴۹/۴)؛ و نیز «لَا عِزَّ أَشْرَفَ مِنَ الْعِلْمِ» (همان: ۸۴۰).

در نظام آموزش و پرورش جمهوری اسلامی، نیازهای روز جامعه به علوم و فنون مختلف و فراهم نمودن زمینه برای تحصیلات عالی در رشته‌ها و حوزه‌های گوناگون پس از انقلاب اسلامی مورد توجه ویژه‌ای قرار گرفت. از آنجا که این حکومت با تکیه بر دستاوردهای فرهنگی و تربیتی اسلام و ائمه معصومین علیهم‌السلام به مدیریت فرهنگی و تربیتی و گسترش رشته‌های علمی برای جامعه می‌پردازد، ناگزیر است به همه حوزه‌ها و نیازهای فکری مردم بذل توجه نماید.

نتیجه‌گیری

سند تحول بنیادین آموزش و پرورش بر اساس مبانی وجودی انسان، ساحت‌های شش‌گانهٔ مختلف بینشی، دانشی و رفتاری را مبتنی بر نیاز و توانمندی بشر برای تربیت وی در نظر گرفته و بر این اساس اندیشمندان حوزهٔ تعلیم و تربیت به تبیین ساحت‌های تربیتی پرداختند. بررسی تطبیقی این ساحت‌ها با آیات و روایات و آموزه‌های اسلامی نشان می‌دهد که در سند تحول، بر اساس مبانی فقه اسلامی شکل گرفته‌اند و می‌توان بن‌مایه‌های فقهی بسیاری برای آنها بر اساس دلائل فقهی مختلف تبیین کرد. در ساحت اعتقادی... هم اصول بر محور آموزه‌های دینی است و هم اعتقادات مورد توجه قرار گرفته و فراگیر برای رسیدن به ایمان و باور تربیت می‌شود. ساحت سیاسی اجتماعی هم بر اساس آموزه‌های قرآن، زمینه را برای شکوفایی استعدادها، شناختی و مهارتی، و تربیت انسان مدیر و مدبر و آگاه فراهم می‌کند. در دیدگاه اسلام، انسان موجودی جسمانی و روحانی است. در ساحت زیستی به این دو بعد و حفظ سلامت فرد و جامعه به منظور تحقق اهداف و برنامه‌های فردی و اجتماعی آنها اهمیت خاصی داده شده است. در ساحت زیبایی‌شناختی به پرورش حواس و قدرت فهم برای بازخوانی فطرت الهی فرد و دریافت تجلیات آن در طبیعت توجه می‌شود که انبیای الهی و ائمه معصومین علیهم‌السلام هم درصدد بودند تا صفات و نعمات خداوند را به مردم بشناسانند. در ساحت اقتصادی، متعلم باید در دوران آموزش‌پذیری، حفظ و توسعه ثروت و توجه به اقتصاد و معیشت و کارآفرینی و سایر مصادیق تربیت اقتصادی اسلامی را فراگیرد که با مبانی فقهی اسلامی تطبیق دارد. در ساحت علمی هم توجه ویژه‌ای به علم‌آموزی شده است که با نگاه اسلام که علم را در رأس فضایل می‌داند، همخوانی دارد. بنابراین اصول ساحت‌های شش‌گانه بر اساس دین و آموزه‌های دینی است و آماده‌سازی متریبان در مسیر تحقق همهٔ شئون حیات طیبه و به فعلیت رسیدن قابلیت‌ها و ظرفیت‌هایی که در ابعاد مختلف جسم و روح انسان قرار دارد، بدون اتکاء به مبانی اسلامی امکان‌پذیر نیست.

فهرست منابع

- قرآن کریم
نهج البلاغه
۱. آخوند خراسانی، محمدکاظم. (۱۳۲۹). «نامه به علمای بلاد»، نشریه حبل‌المتین، سال ۱۹، شماره ۷.
 ۲. آمدی، عبدالواحد. (۱۴۱۰ق). غررالحکم ودررالکلم. قم: دارالکتب الاسلامی.
 ۳. ابن حیون مغربی، نعمان. (۱۳۸۵ق). دعائم الإسلام، ج ۲، قم: آل‌البيت.
 ۴. ابن منظور، محمد. (۱۴۱۴ق). لسان‌العرب، جلد ۱۱/۱۰، الطبع الثالث، بیروت: دارصادر.
 ۵. اعرافی، علیرضا. (۱۳۹۵). فقه تربیتی، جلد یک، قم: مؤسسه فرهنگی اشراق و عرفان.
 ۶. اعرافی، علیرضا و همکاران. (۱۳۸۶). اهداف تربیت از دیدگاه اسلام. تهران: انتشارات سمت.
 ۷. امام خمینی، روح‌الله. (۱۳۷۹). تحریرالوسیله، قم: دارالعلم.
 ۸. باقری، خسرو. (۱۳۸۲). هویت علم دینی. تهران: سازمان فرهنگ و ارشاد اسلامی.
 ۹. بناری، علی‌همت. (۱۳۸۸). نگرشی بر تعامل فقه و تربیت. قم: موسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی.
 ۱۰. حرعاملی، محمدبن حسن. (۱۴۰۹ق). وسائل الشیعه، قم: آل‌البيت.
 ۱۱. خوئی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۶ق). صراط‌النجاة، قم: مکتب نشرالمنتخب.
 ۱۲. (۱۴۱۷ق). موسوعه الامام الخوئی، قم: موسسه احیاء آثار الامام الخوئی.
 ۱۳. دهخدا، علی‌اکبر. (۱۳۷۷). لغت‌نامه دهخدا. جلد ۶، تهران: دانشگاه تهران.
 ۱۴. ذهبی، شمس‌الدین. (۱۴۰۹ق). تاریخ الإسلام، ج ۱۴، بیروت: دارالکتب العربی.
 ۱۵. راغب اصفهانی، حسین. (۱۴۱۲ق). مفردات الفاظ قرآن. الطبعة الأولى. بیروت: دارالقلم.
 ۱۶. رضایی، محمدعلی، و حمید نجفی. (۱۳۹۳). تربیت عبادی از منظر قرآن. قرآن و علم. سال هشتم. شماره ۱۴.
 ۱۷. رفیعی، بهروز. (۱۳۹۲). آرای دانشمندان مسلمان در تعلیم و تربیت و مبانی آن. قم: پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
 ۱۸. روزبهانی، عباس. تاملی در تربیت اسلامی. فصلنامه شورای فرهنگ عمومی و تربیت دینی. شماره ۲۹. ۲۸/۱۲/۳۸۰.
 ۱۹. شریفی، محمدحسین. (۱۳۸۴). آیین زندگی. قم: دفتر نشر معارف.
 ۲۰. شکوهی، غلامحسین. (۱۳۷۷). تعلیم و تربیت و مراحل آن. مشهد: آستان قدس رضوی.
 ۲۱. شورای عالی انقلاب فرهنگی. (۱۳۹۰). مبانی نظری تحول بنیادین در نظام تعلیم و تربیت رسمی عمومی جمهوری اسلامی ایران.

۲۲. شهیدثانی، زین‌الدین. (۱۴۲۱ق). رسائل شهیدالثانی، قم: دفتر تبلیغات.
۲۳. (۱۴۱۰ق). الروضه البهیة فی شرح اللمعه دمشقیه، قم: داوری.
۲۴. شیخ انصاری، مرتضی. (۱۴۱۰ق). المکاسب، قم: دارالکتاب.
۲۵. شیخ بهائی، محمدبن حسین. بی‌تا، جامع عباسی، تحقیق و تصحیح علی محلاتی حائری، تهران: فراهانی.
۲۶. شیخ صدوق، محمد. (۱۴۰۶ق)، ثواب الأعمال وعقاب الأعمال، قم: رضی.
۲۷. شیخ طوسی، محمدبن حسن. (۱۴۰۰ق). النهایه فی مجردالفرقه والفتاوی، بیروت: دارالکتاب العربی.
۲۸. طبرسی، فضل‌بن حسن. (۱۳۷۰). مکارم الاخلاق. قم: رضی.
۲۹. علامه حلی، حسن‌بن یوسف. (۱۴۱۱ق). مختلف الشیعه فی أحكام الشریعه، قم: جامعه مدرسین حوزه علمیه قم.
۳۰. (۱۴۱۲ق). نکت النهایه، قم: جامعه مدرسین.
۳۱. عیاشی، محمدبن مسعود. (۱۳۸۰). تفسیر العیاشی. تهران: المطبعة العلمیة.
۳۲. فراهیدی، خلیل‌بن احمد. (۱۴۰۹). العین. قم: دارالهجره.
۳۳. کرکی، علی‌بن حسین. (۱۴۱۴ق). جامع المقاصد فی شرح القواعد، قم: آل‌البیت.
۳۴. کلینی، محمدبن یعقوب. (۱۴۰۷ق). الکافی. تهران: دارالکتب الإسلامیة.
۳۵. (۱۳۶۹). اصول کافی. ترجمه سیدهاشم رسولی و سید جواد مصطفوی. تهران: علمیه اسلامیة.
۳۶. گلپایگانی، سیدمحمدرضا. (۱۴۱۷ق)، الدر المنضود فی احکام الحدود، قم: دارالقرآن الکریم.
۳۷. مجلسی، محمدباقر. (۱۴۰۳ق). بحار الأنوار. جلد ۱، ۹۱. موسسه الوفاء.
۳۸. محقق حلی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ق)، شرائع الاسلام فی مسائل الحلال والحرام، قم: اسماعیلیان.
۳۹. محمدی ری‌شهری، محمد. (۱۳۸۶). میزان الحکمة، قم: دارالحديث
۴۰. مقام معظم رهبری: مصاحبه‌ها و سخنرانی‌ها.
۴۱. نائینی، محمدحسین. (۱۳۷۸). تنبیه الأمه وتنزیه المله؛ ترجمه محمود طالقانی، تهران.
۴۲. نجفی، محمدحسین. (۱۳۶۲). جواهر الکلام فی شرح شرایع الاسلام، بیروت: داراحیاء التراث العربی.
۴۳. وفایی، رضا؛ فضل‌الهی قمشی، سیف‌اله و احمد طالعی فرد. (۱۳۹۶). «بررسی میزان توجه به ساحت‌های ششگانه تربیتی سند تحول در کتابهای درسی مطالعات اجتماعی دوره ابتدایی»، مطالعات کاربردی تعلیم و تربیت اسلامی، سال دوم، شماره ۲.